شعر انقلابی پس از صدر اسلام

تسخیری، محمدعلی

آیت الله محمد علی تسخیری‏ در نوشتار ذیل،نویسنده ضمن‏ بر شماری ویژگی‏های اشعار شاعران گروه‏ خوارج و شیعی به عنوان پیشروان شعر انقلابی پس از اسلام،از«کمیت اسدی» به عنوان الگویی از شاعر انقلابی و پیشرو شیعه یاد می‏کند.

به نظر می‏رسد که شعر زبیری‏ها(که‏ برجسته‏ترین شاعر آنان«عبید الله قیس بن الرقیات» است)آنچنان تأثیری در جامعه آن زمان به جای‏ نگذاشته است و علل آن نیز احتمالا بی ریشگی‏ حرکت زبیری‏ها،نداشتن شاخصه‏های روشن‏ و عدم تداوم آن در جامعه،عدم بذل و بخشش-که‏ به ممسک بودن و بخل نیز متهم گشته‏اند-و سرانجام نداشتن پیروان شایسته و جدی است.

بدین ترتیب و با توجه به کم اهمیتی نوع سوم، طبیعی است که تنها شعر خوارج و شعر شیعی‏ مورد توجه قرار گیرد.

نکته قابل توجه اینکه،این دو نوع شعر و شعرا، هر چند با یکدیگر اختلاف‏های عمیقی داشتند ولی‏ روحیه انقلابی،آنها را در راستای ضدیت با بنی امیه‏ به یکدیگر نزدیک می‏ساخت؛مثلا«طرماح بن‏ حکیم طایی»(از شعرای معروف خوارج که در کوفه‏ زندگی می‏کرد و در جنگ صفین شرکت کرد و سپس به ری-ایران-مهاجرت کرد و مجددا به کوفه‏ بازگشت و در همانجا در حدود سال 100 هجری‏ وفات یافت)از دوستان صمیمی«کمیت اسدی» شیخ الشعرای شیعه به شمار می‏رفت،علت این‏ دوستی نیز،دشمنی مشترک آنها نسبت به بنی امیه‏ بود.ای بسا همین روحیه انقلابی بود که ائمه‏ اهل بیت علیهم السلام را از فراخوانی نسبت به‏ جنگ با خوارج بازداشت.

در تاریخ نقل است که«جویریه خارجی(از خوارج)در کوفه علیه معاویه سر به شورش‏ برداشت.معاویه به امام حسن(ع)گفت:در برابر دار و دسته او بایست و با آنان نبرد کن.حضرت‏ فرمود:خداوند مرا از این کار باز می‏دارد.معاویه‏ پرسید:چرا؟مگر آنان دشمنان تو و دشمنان من‏ نیستند؟حضرت فرمود:درست است ولی کسی‏ که در پی حق باشد ولی به خطا رود با کسی که در طلب باطل بوده و بدان رسیده باشد،تفاوت‏ می‏کند.(1)

شاید بتوان گفت که وجود مخالفان سر سختی‏ چون خوارج،امویان را وادار می‏کرد از فشار و سرکوب خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام، بکاهند.

ویژگی‏های شعر خوارجی:

شعر شعرای خوارج عموما دارای این‏ ویژگی‏هاست:

1-کوتاهی قصاید.بنا بر نوشته‏ پژوهشگران(2)تنها دو قصیده بلند به دست ما رسیده‏ که می‏توان آنرا«شعر حالات اضطراب»نامید.

وزن(رجز)یعنی:«مستفعل مستفعل فعول» از جمله اوزان متداول در شعر خوارج به شمار می‏رود.چنانکه«ابو حمزه»می‏سراید:

-احمل رأسا قد سئمت حمله‏ -و قد مللت ذهنه و غسله

-الا فتی یحمل عنی ثقله‏

«سری دارم که از کشیدن بار آن خسته شده‏ام.

و از روغن زدن و شستن آن،به ستوه آمده‏ام.

آیا جوانی یافت نمی‏شود که به جای من بار آنرا بدوش کشد؟!»

2-بر خلاف آنچه در شعر عرب مرسوم است و با غزل و امثال آن برای ورود به موضوعی‏ زمینه چینی می‏شود،شعر خوارج مستقیما وارد موضوع می‏گردد.

3-به رغم اینکه شعر خوارج،عقیدتی است‏ ولی ساده و در عین حال،خشن و عاری از هر گونه‏ استدلال عقیدتی است چرا که اغلب این شعرا،اهل بادیه هستند و«بشر بن المعتمر»رئیس معتزله در بغداد درباره آنها می‏گوید:

-هیهات ما سافله کعالیه‏ ما معدن الحکمه اهل البادیه

«هرگز پست‏ها،مانند افراد والا نیستند و مردمان بادیه نشین،کاری به دانش و حکمت‏ ندارند.»(3)

4-مبالغه در ستایش از شخصیت‏های خوارج‏ و افراط در تعریف از آنان.

ابیات«عمران بن حطان»درباره«ابن ملجم» آن ملعون و قاتل حضرت علی(ع)بهترین مثال برای‏ این ویژگی است؛می‏گوید:

-«من او را یاد می‏کنم و زنده‏اش می‏پندارم و در میان مردم،بهترین کس نزد خداوندش می‏دانم.

-ضربه‏ای از سوی شخص پرهیزگاری بود که‏ تنها خشنودی خدای را در نظر گرفته بود».

5-شیوع روحیه شهادت طلبی،«بهلول بن‏ بشر الشیبانی»می‏گوید:

-«هیچکس دوست ندارد که مرگ به سراغش‏ آید ولی برای من مرگ از عسل نیز خوشتر است.

-نه شرکت در جنگ مرگم را جلو می‏اندازد و نه حزم و احتیاط،مرا از اجل می‏رهاند.»

و دیگری می‏گوید:

-«هرکس نگران چنگال‏های مرگ است ولی‏ ما تن پوشی از شکیبایی برای مرگ به تن کرده‏ایم.

-مرگ زشت،شیرین و زیبا می‏شود اگر آنرا با یاد خوش و نیکو،در هم آمیزیم.»

6-اندک بودن شعر.که نتیجه ضعف و نیز ناتوانی و کوتاهی دوره آنها بوده است.

7-و سرانجام به لحاظ رعایت انصاف،باید به برخی ویژگی‏های مثبت در شعر آنها از جمله: راستی،اخلاص و زهد اشاره کرد.

ویژگی‏های شعر شیعی:

این شعر نیز دارای ویژگی‏هایی به شرح زیر است:

1-پر رنگی دیدگاههای عقیدتی و اجتماعی‏ در آن.به عنوان مثال،در اشعار«دعبل خزاعی» (نبوت)با امتداد آن پس از دوره نزول وحی،یعنی‏ (امامت)پیوند می‏یابد و به حضرت حجت(عج) رسانده می‏شود؛این شاعر در ذکر مصائب اهل‏ بیت علیهم السلام می‏گوید:

-«اگر نبود که هر دم،در انتظار ظهور اویم، قلبم به دنبال ایشان از حسرت و آه،پاره پاره‏ می‏گشت.

-ظهور امامی که مطمئنا ظهور خواهد کرد که‏ به نام خدا و به برکت وجود او قیام می‏کند.

-و در میان ما،حق و باطل را تمیز می‏دهد و مسیر حرکت خود را بر اساس مجازات به خوبی‏ها و بدی‏ها تنظیم می‏کند».

و درباره حضرت علی علیه السلام می‏گوید:

«برادر پیامبر(ص)و هم داماد و جانشین او و \*«طرماح بن حکیم طایی»از شاعران معروف خوارج،دوست‏ صمیمی«کمیت اسدی»،شیخ‏ الشعرای شیعه به حساب می‏آمد. علت این دوستی را باید در دشمنی مشترک آنان با بنی امیه‏ جست و جو کرد.

از میان مردم پوشاننده زشتی‏هاست.

-همچون هارون نسبت به موسی،به رغم‏ وجود جماعتی دون و بدکردار و ستبر پوست‏ (خشن)».

2-توان استدلال منطقی که در این باره، مثال‏هایی از اشعار«کمیت اسدی»ارایه خواهد شد.

3-جنبه‏های نیرومند عاطفی،بویژه وقتی‏ شاعر،به واقعه کربلا می‏پردازد؛ای بسا علت این‏ امر نیز آموزه‏های اسلامی و دینی در خصوص تأکید بر محبت و مودت نسبت به خاندان پیامبر(ص)و عشق‏ به اهل بیت علیهم السلام و نیز شدت و حدت‏ ستم‏هایی است که بر آنها و شیعیان ایشان،روا داشته شد.

استاد«احمد امین»می‏نویسد:

«شیعیان از دو نوع احساسات و عواطف‏ برجسته و نیرومندی برخوردار بودند و آثار و ادبیات‏ آنها،شدیدا تحت تأثیر آن قرار داشت:خشماگین‏ و حزن انگیز.احساسات خشماگین از این جهت‏ که آنها معتقدند حقشان غصب شده و ستمگرانه و به زور از آنها ستانده شده است و احساسات و عواطف حزن انگیز و غمگینامه از آنروست که‏ حکومت‏های اموی و عباسی هر دو با آنان از در خشونت در آمدند و بدترین و قساوت آمیزترین‏ رفتاری را که می‏شد با کافران و ملحدان در پیش‏ گرفت،با آنها داشتند.شیعیان اهل بیت(ع)هر از گاهی در معرض کشتارهای بیرحمانه قرار می‏گیرند و هنوز خون‏های به ناحق ریخته آنها خشک نشده‏ با قتل عام دیگری مواجه می‏شوند.امویان و عباسیان در این راستا هرچه توانستند و خواستند در حق اهل بیت(ع)و پیروانشان انجام دادند. کشتند،به دار آویختند،سوزاندند،تحقیر کردند و در زندان‏ها با محروم ساختن آنها از نور و هوا و غذا،به مرگ تدریجی محکوم ساختند.

چنین برخوردها و حتی برخوردهایی کمتر از آن نیز اشک‏ها را روان می‏کند و قلب‏ها را به درد می‏آورد؛این برخوردها،حتی آدم‏های لال را به‏ زبان می‏آورد و معلوم است که وقتی با جان‏های‏ برانگیخته،زبان‏های گویا و الحان حزن انگیزی‏ در آمیزد،چه حاصلی در پی خواهد داشت.(4)

تردید نیست که واقعه کربلا از همه این حوادث‏ دردناکتر بود.

یکی از شعرا،می‏گوید:

-«آیا می‏توان فجایعی دردناکتر از آن فجایع‏ (حوادث کربلا)سراغ گرفت؟

-فجایعی که طی آن امام حسین بر زمین افتاده‏ و خیل دشمنان،استخوان‏های سینه‏اش را خرد کردند.

-و کودک شیر خوارش(علی اصغر)رنگین به‏ خون گلوی خود گشت؛پس شما(خطاب به امام‏ زمان است)به یاد این شیر خواره،زاری کنید».

به علاوه،ائمه اهل بیت علیهم السلام خود اینگونه شعر حزن انگیز و عاطفی را حتی برای‏ مناسبت‏های شاد نیز تشویق می‏کردند.

در تاریخ آمده که منصور عباسی(خلیفه)از امام‏ موسی بن جعفر علیه السلام درخواست کرد که‏ برای پذیرش تبریک عید نوروز و دریافت هدایایی‏ که برای ایشان می‏آوردند،جلوسی داشته باشند.

حضرت فرمود:من در اخبار جدم رسول خدا(ص) جست و جو کرده‏ام ولی خبری درباره این عید نیافته‏ام؛بزرگداشت این عید از سنت فارس‏ها (ایرانیان)است که اسلام آن را از میان برداشته و پناه‏ بر خدا،اگر آنچه را اسلام از میان برداشته،مجددا احیا کنیم.

منصور عباسی گفت:ما این کار را برای‏ سیاست لشکریان انجام می‏دهیم،شما را به خدای‏ بزرگ سوگند می‏دهم که جلوسی داشته باشید.امام(ع) چنین کرد برای استقبال از تبریک و تهنیت‏ پادشاهان و امیران و لشکریانی که برای عرض‏ تبریک و تهنیت و تقدیم هدایا حضور می‏یافتند، بار عام داد«موسی»از خدمتکاران دربار منصور نیز برای شمارش هدایای تقدیمی،حاضر بود.به‏ عنوان آخرین نفر،مرد سالمندی بر آن حضرت(ع) وارد شد و عرض کرد:ای فرزند دختر رسول‏ خدا(ص)!من مرد فقیر و بی چیز هستم و تحفه‏ام‏ برای تو سه بیت شعری است که جدم در حق جدت‏ امام حسین(علیه السلام)سروده است.

-«در شگفتم از آن شمشیری که لبه آهنی (و تیزش)بر پیکرت فرود آمد در روز جهانی و زمانی‏ که غباری وجودت را فرا گرفته بود.

-و(در شگفتم)از تیرهایی که از بانوان آزاده‏ای‏ که جدت را فرا می‏خواندند و اشک فراوان جاری‏ بود.عبور کردند و بر تو اصابت کردند.

-(و در شگفتم)چرا بزرگواری و عظمت تو مانع از آن نشد که تیرها در هم شکنند و به بدنت‏ اصابت نکنند».

حضرت فرمود:پیشکش ترا پذیرفتیم.بنشین، آنگاه رو به سوی خدمتکار منصور عباسی کرد و فرمود:نزد امیر المؤمنین برو و به او بگو که با این‏ همه هدایایی که گردآوری شده است،چه کنیم؟ خدمتکار رفت و پیغام را برد و پاسخ آورد:همه آنها را به شما بخشیده‏ام.هر کاری که می‏خواهید با آن‏ بکنید.امام موسی بن جعفر(علیه السلام)به مرد سالمند[فقیری که تنها سه بیت شعر هدیه آورده‏ بود.[فرمود:همه آنها را بردار که جملگی را به تو بخشیدم.(5)

4-در برگیری جنبه‏های مختلف و برجستگی‏ جنبه سیاسی.

5-روشنی زبان و ترکیب نیرومند ادبی و هنری.

استاد عباس الجراری مغربی می‏نویسد:«سبک‏ شعر آنها(شعرای شیعه)روشن،متین و به دور از آرایش و تصنع و تکلف است،همچنانکه تأثیر دین‏ و قرآن بر شعر آنها باعث چنین ویژگی‏های‏ درخشانی در آنها گشته است.(6)

بهترین شاهد بر اینگونه شعر،قصیده میمی‏ فرزدق است که در وصف امام علی بن الحسین زین‏ العابدین علیه السلام،سروده است:

-و این همان کسی است که در و دشت و بیابان‏ با جای پای او آشنایند و مردمان دور و نزدیک کعبه‏ او را می‏شناسند.

-این فرزند بهترین بندگان خداست؛پرهیزگار و پارسا و پاک و برجسته و بزرگوار است.

-وقتی قریشیان او را ببینند سخنگویشان‏ می‏گوید اوج را مردی‏ها و جوانمردی‏ها در او متجلی است.

-اینکه او را نشناسی و بگویی کیست؟چیزی‏ از او نمی‏کاهد؛عرب و عجم او را که تو نشناخته‏ای،می‏شناسند.

-از شرم و حیاء چشمان خود را پایین می‏گیرد و از هیبت او،چشمان دیگران پایین می‏افتد و تنها هنگامی که لبخند بر لب دارد می‏توان با او سخن‏ گفت.

-در دستش عصایی است از خیزران که بوی‏ خوشی دارد؛این بوی خوش از دست کسی‏ می‏تراود که در سیمای او ابهت و شکوه است.

-وقتی به طواف کعبه می‏آید و دست بر «حجر الاسود»می‏ساید،تو گویی این حجر الاسود است که مشتاق لمس دست امام است.

-از نور پیشانی‏اش،پیراهن تاریکی‏ها شکافته‏

می‏شود،همچون خورشید که با طلوع خود، تاریکی‏ها را به یک سو می‏نهد.

-از قومی است که دوستی با آنها عین دین و دشمنی با ایشان کفر و نزدیکی به آنها،نجات بخش‏ و جان پناه است.

-وقتی اهل تقوی را بر شمارند،آنها پیشوایشان‏ هستند و اگر گفته شود که چه کسانی بهترین مردمان‏ روی زمین هستند؟آنان را نشان می‏دهند.»

همچنانکه می‏توان به قصیده«دعبل خزاعی»به‏ عنوان بهترین نمونه شعر هیجان انگیز و در عین حال‏ گریه‏آور،اشاره کرد.

6-ویژگی انقلابی(که برجسته‏ترین ویژگی‏ شعرهای این دسته از شعر است).

«عبد الله بن هشام السلولی»هنگامی که ولایت‏ عهدی موروثی گردید،می‏گوید:

-اگر رمله یا هند]زنان بد آوازه‏[را هم به عنوان‏ ولیعهد مطرح کنید با او به عنوان امیر المؤمنین، بیعت می‏کنیم.

-وقتی کسری بمیرد،کسرای دیگری به جای‏ او می‏نشیند و ما سه نفر پیاپی و هماهنگ می‏توانیم‏ برشماریم.

«به بنی امیه هر جا که باشند بگو هر چند از شمشیر و تحریم و قطع رابطه آنها در هراس باشی.

خداوند هر کسی را که شما سیر ساختید گرسنه‏ کند و هر کس را که از ستم شما گرسنه ماند،سیرش‏ گرداند».

7-حضور پر رنگ محبت و عشق به اهل بیت‏ علیهم السلام.

8-توان ایجاد حرکت و جنبش در ابعاد مختلف‏ و چند ویژگی دیگر.

شعرای بسیاری در این گروه درخشیدند(7)که‏ می‏توان از جمله به این نام‏ها،اشاره کرد:کثیر عزه،کمیت اسدی،حمیری،دعبل خزاعی، فرزدق و بسیاری دیگر.

از جمله دیگر ویژگی‏های شعر این شعرا، جاودانگی و دیر پایی است که برخی مورخان ریشه‏ آن را،وجود عنصر«تقیه»در میان شیعیان‏ دانسته‏اند،حال آنکه اینجانب معتقدم زیبایی و قدرت شعرهاست که راز جاودانگی و گذارشان از صافی زمان و مکان به شمار می‏رود.قصیده میمی‏ فرزدق و نیز قصیده میمی همسنگ آن،سروده‏ «ابو فراس حمدانی»-که او نیز از شعرای بزرگ‏ شیعه به شمار می‏رود-همواره بر تارک شعر عرب،خواهد درخشید.

«کمیت بن زیاد اسدی»

او در سال 60 هجری متولد شد و در سال 126 هجری قمری در زمان خلافت مروان بن محمد- آخرین خلیفه اموی-وفات یافت و به نظر می‏رسد امام باقر و امام صادق علیهما السلام را درک کرد ولی دوره امام هفتم شیعیان یعنی امام موسی کاظم‏ (ع)را درک نکرد.او خود را وقف دفاع از عقیده‏اش کرد،هر چند قصایدی چند در مدح بنی‏ امیه از وی نقل شده که ما در صحت انتساب آنها به‏ او تردید داریم یا معتقدیم که سرودن آنها را باید از باب«تقیه»یا مربوط به یک مرحله کوتاه انحرافی‏ در زندگی او تلقی کرد.

در شعر او،به رغم اینکه در آن زمان هنوز جزییات معتقدات شیعه به وسیله امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام،تبیین نشده بود، عقاید اساسی شیعه،تجلی پیدا کرده است. مشهورترین اشعارش«هاشمیات»است که بالغ بر 536 بیت شعر دارد.در شعر«کمیت اسدی»این‏ ویژگی‏ها،کاملا مشهود است.(8)

نخست:روح معتقدات شیعه:

درباره جانشینی پیامبر خدا(ص)،می‏گوید:

«پیامبر او را جانشین خود توصیف می‏کند،به‏ طوری که شایعه پردازان و کسانی که آن را نپذیرفته‏اند،به ستوه آمده‏اند.

و روزی که در غدیر خم آن سکوی بلند از جهاز شتران بپاشد ولایت را برای وی خاطر نشان ساخت‏ چه خوب بود اگر اطاعت می‏شد.

ولی مردان(به جای بیعت با او)میان خود هم‏ پیمان شدند(که بر آن عهد نمانند)و من هرگز عهد و پیمانی چنین بزرگ ندیدم که زیر پا نهاده شود».

و روایت شده که ائمه اهل بیت(ع)برای او،دعا کردند.مرحوم کشی از وی نقل می‏کند که‏ می‏گوید:«روزی بر امام محمد باقر وارد شدم، فرمود:ای کمیت!به خدا سوگند که اگر ثروتی‏ داشتیم به تو می‏دادیم ولی تو از همان دعایی که پیامبر خدا(ص)برای«حسان»در نظر گرفت، برخورداری:تا آنگاه که از ما دفاع می‏کنی،در پناه‏ روح القدس خواهی بود.(9)

\*ویژگی‏های شعر شیعی؛ پر رنگی دیدگاه‏های عقیدتی و اجتماعی،پناه بردن به استدلال‏ منطقی،برخورداری از نیروی‏ عاطفی به ویژه در ارتباط با واقعه کربلا،برجستگی بعد سیاسی،زبانی روشن همراه با ترکیبات قوی ادبی و هنری است.

و از«زراره بن اعین»نقل است که می‏گوید: روزی کمیت بن زیاد بر امام محمد باقر(ع)وارد شد. من هم حضور داشتم.اشعاری را که با این مصرع‏ شروع می‏شد،خواندن گرفت:

-من لقلب متیم مستهام.

«چه کسی قلب غمگین و شیفته مرا یاری‏ می‏کند؟»

و هنگامی که از خواندن همه ابیات فراغت‏ حاصل کرد،حضرت خطاب به«کمیت»فرمود: تا زمانی که درباره ما شعر می‏سرایی،مورد تأیید و در پناه روح القدس خواهی بود.(10)

او در وصف ائمه اهل بیت علیهم السلام‏ می‏گوید:

«شیران بیشه و شایستگان در جنگ هستند،هر چند که آتش آن بیش از پیش شعله‏ور شده باشد.

و باران‏هایی هستند که به هنگام خشکسالی، یتیمان را در آغوش خود می‏گیرند.

از بنی غالب و بنی هاشم هستند و در علم و دانش از دهش و بخشش دانای بزرگ بهره‏ گرفته‏اند.

و همان‏هایی هستند که با تقوای خود،به‏ ریسمانی که هرگز گسسته نخواهد شد،دست‏ یافته‏اند».

و درباره«تقیه»می‏گوید:

«من از دانسته‏های خود،گوهرهای آن را پنهان‏ می‏سازم تا مبادا نادانی حق را ببیند و دچار فتنه‏ گردد.

در اینکار ابو الحسن(حضرت علی(ع))پیشقدم‏ بود و به امام حسین(ع)و پیش از او به امام حسن(ع)، همین سفارش را کرد.

چه بسا،گوهر دانشی که اگر پرده از آن برگیرم، به من گفته می‏شود که تو بت می‏پرستی.

و ای بسا که برخی مسلمانان ریختن خونم را حلال بدانند و هر بلای زشتی که بر سرم آید نیکو بپندارند.»

دوم:توان استدلال منطقی،تا آنجا که‏ «جاحظ»گمان داشت که«کمیت اسدی»نخستین‏ کسی است که باب استدلال را برای شیعیان گشود که البته نظر درستی نیست.«کمیت اسدی»از جمله‏ می‏گوید:

-«ما برای شما در سوره(حم)آیه‏ای را یافتیم‏ که پرهیزگاران و مفسران ما آن را چنین تفسیر کردند.

-و گفتند که ما از پدران و مادران خود خلافت‏ را به ارث برده‏ایم ولی مادر و پدری برای آنها به‏ ارث نگذاشت».

که احتمالا منظور وی،این آیه بوده است:

«قل‏ لا اسألکم علیه اجرا الا الموده فی القربی»

(سوره‏ شوری-23)(بگو به ازای آن(رسالت)پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره‏ خویشاوندان).که مراد از خویشاوندان در اینجا بنا بر گفته محدثان بزرگی چون«بخاری»، «مسلم»،«احمد بن حنبل»و دیگران،همان خاندان‏ پیامبر(ص)و ائمه اطهار(ع)هستند.

او همچنین می‏گوید:

-«می‏گویند چیزی به ارث نمی‏گذارد ولی اگر (واقعا)ارثیه‏اش نبود،هرکس و ناکسی مدعی‏ می‏شد.

-و اگر این جانشینی و خلافت برای کسی جز آنها،شایسته نیست چنانچه به نزدیکان و خویشاوندان برسد،سزاوارتر و نیکوتر است».

سوم:احساسات نیرومند نسبت به ائمه‏ اهل بیت علیهم السلام و ستم‏هایی که به ایشان روا شد.او در حضور آنها،این ستم‏ها و مصایب را بازگو می‏کرد.

روایت شده است که یکبار بر امام‏ محمد باقر(علیه السلام)وارد شد و این ابیات را قرائت کرد:

-«زمانه مرا به خنده و گریه وا داشت زیرا زمانه‏ دارای گردش‏های بسیاری است.

-«گریه برای نه(9)تن که در واقعه کربلا همگی‏ بدون غسل و کفن،به خاک سپرده شدند».

امام(ع)شروع به گریه کرد،تا اینکه به این دو بیت رسید:

«و شش تن از فرزندان عقیل که بهترین سواران‏ بودند و کسی به پای آنها نمی‏رسد.

و سپس به علی بهترین ایشان و مولا و سرور آنها می‏رسیم که یادشان قلبم را می‏سوزاند».

و به همین ترتیب به ذکر این داستان غم انگیز ادامه می‏دهد.(11)

چهارم:روحیه انقلابی علیه ستمگری‏های‏ امویان؛همو می‏گوید:

«به بنی امیه هر جا که حضور یافتند بگو هر چند از شمشیر و تحریم و قطع رابطه آنها در هراس‏ باشی.خداوند،هرکس را که شما سیر ساختید، گرسنه کرد و هرکس را که بر اثر ستم شما گرسنه‏ ماند،سیرش گرداند.»

و نیز می‏گوید:

«اگر به گفته و توصیه ابو القاسم(پیامبر(ص)) درباره آنها پایبند مانده‏ام از سرزنش‏ سرزنش کنندگان،باک ندارم.

هیچ اهمیتی نمی‏دهم و خشم و کین آنان برای‏ من مهم نیست.

آنها(اهل بیت(ع))،سهم من از این امت هستند و بر دیگران برتری دارند».و درباره بنی هاشم، می‏گوید:

«سیاستمدارانی هستند نه از آن دسته که‏ سیاستمداری مردم را همچون چوپانی گوسفندان‏ می‏دانند.

و نه همچون عبد الملک یا ولید یا سلیمان و یا هشام‏[نام خلفای اموی‏]».

و درباره سیاست بنی امیه می‏گوید:

-«احکام(اسلام)آنچنان معطل ماند که گویی‏ ما از دین دیگری جز این دین پیروی می‏کنیم.

-آیا ما اهل کتاب هستیم و شما بر حق‏اید و با قرآن داوری می‏کنیم و عدالت را روا می‏داریم؟

-تو گویی که حافظان قرآن و متولیان امر و نهی‏ آن،افراد منحرفی چون شما هستند.

-آنان سلاطین بد کرداری هستند که مدت‏ زمامداری آنها به درازا کشید؛تا کی باید در رنج و عذاب باشیم؟

-آوازه ستمگری‏های حکام ستمگر ما امروزه‏ از هر زمان دیگری،فزونتر است».

و سپس می‏گوید:

-«آنها هر سال»،بدعتی را مطرح می‏کنند که‏ پیروانشان را دچار لغزش می‏سازند و به درد سر می‏اندازند.

-خداوند آیا می‏توان در پیروز شدن بر آنها جز از تو امید داشت و آیا جز به تو می‏توان تکیه کرد؟»

(1)«بحار الانوار»جلد 44.صفحه 13.

(2)-به عنوان مثال نگاه کنید به:«ادب الخوارج»نوشته خانم دکتر سهیر القلماوی.

(3)-«الحیوان»جاحظ جلد 6-صفحه 155.

(4)-«ضحی الاسلام»احمد امین جلد 3-صفحه 300.

(5)-«مناقب ابن شهر آشوب»جلد 3 صفحه 432،بحار الانوار جلد 48 ص 108.

(6)-«فی الشعرا سیاسی»عباس الجراری المغربی،ص 157

(7)-مرحوم علامه امینی،تلاش و کوشش بسیاری در این زمینه و در جهت‏ معرفی این چهره‏ها،به عمل آورد؛نگاه کنید به:دائرة المعارف«الغدیر».

(8)-نگاه کنید به:بحار الانوار جلد 47.صفحه 323.

(9)-«رجال»-الکشی صفحه 136 و بحار الانوار جلد 47 ص 324.

(10)-همان منابع(پاورقی قبلی).

(11)-نگاه کنید به«کفایه الاثر فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر»